

عقلانیت از منظر قرآن مسئولیت اجتماعی است

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز عقلانیت اساس شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم است.



استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز عقلانیت اساس شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم است. وقتی عقلانیت در جامعه گسترش یابد، گفت‌وگو، مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی تقویت می‌شود و روابط اجتماعی از هیجان زدگی، تعصب و سلطه جویی رها می‌شود. درواقع، قرآن عقلانیت را نه صرفاً یک فضیلت فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی معرفی می‌کند که در آن هر فرد در برابر پیامدهای اندیشه و عمل خود پاسخ‌گوست.

عقلانیت از منظر قرآن مسئولیت اجتماعی استعقلانیت از منظر قرآن کریم، یکی از بنیادی‌ترین اصول درک و پذیرش دین است. قرآن نه تنها به عقل و تفکر تأکید می‌کند، بلکه از مؤمنان می‌خواهد در امور مختلف زندگی خود به تأمل و تدبیر بپردازند. در آیات متعدد، خداوند به انسان‌ها توصیه می‌کند که از عقل خود بهره‌برداری کنند و در آفرینش، قوانین طبیعی و نشانه‌های الهی تأمل نمایند. به عنوان مثال، در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران آمده است: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین و تغییر شب و روز نشانه‌هایی برای صاحبان عقل است».

عقلانیت در قرآن به معنای استفاده از توانایی‌های فکری و تحلیلی انسان برای شناخت حقیقت و درک معارف دینی است. این رویکرد، انسان را به جست‌وجوی حقیقت و دوری از خرافات و باورهای بی‌پایه تشویق می‌کند. همچنین قرآن به عنوان کتاب هدایت، منطق و استدلال را در دعوت به ایمان و عمل صالح به کار می‌برد و مؤمنان را به بررسی دلایل ایمان خود فرا می‌خواند. از سوی دیگر، قرآن هشدار می‌دهد که استفاده نادرست از عقل می‌تواند به انحراف و گمراهی منجر شود. ازاین‌رو، عقلانیت در قرآن نه تنها ابزار شناختی، بلکه مسئولیتی اخلاقی است که انسان را به سوی انتخاب‌های صحیح و زندگی معنادار هدایت می‌کند.

در همین زمینه، خبرنگار ایکنای خراسان رضوی، برای بررسی جایگاه عقلانیت از منظر قرآن با سیدمحسن میرسندهی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانیم؛

ایکنا - مقصود قرآن از عقلانیت چیست و چرا بررسی آن برای جامعه‌شناسی اهمیت دارد؟

در نگاه قرآن، عقلانیت صرفاً فرایند شناختی ذهنی نیست، بلکه قوه‌ای الهی است که انسان را به درک حقیقت، عدالت و مسئولیت اجتماعی رهنمون می‌سازد. عقل در قرآن نیرویی است برای فهم سنن الهی در جهان و اصلاح روابط انسانی.

قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تعقل، تدبیر و تفکر دعوت می‌کند و این امر را ملاک برتری انسان بر سایر موجودات می‌داند؛ چنانکه می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت‌وآمد شب و روز نشانه‌هایی است برای خردمندان» (آل عمران/۱۹۰).

از این آیه و آیات مشابه برمی‌آید که تعقل در قرآن با شناخت نظام هستی و دریافت قوانین ثابت الهی پیوند دارد. براساس این نگرش، عقلانیت صرفاً ابزار تصمیم‌گیری فردی نیست، بلکه زیربنای نظم اجتماعی و بنیان جامعه مطلوب قرآنی است. جامعه‌ای که در آن افراد بر پایه تفکر و آگاهی رفتار می‌کنند، از بی‌عدالتی، خرافه و جهل فاصله می‌گیرند و در مسیر رشد و تعالی حرکت می‌کنند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز عقلانیت، اساس شکل‌گیری تعاملات اجتماعی سالم است. وقتی عقلانیت در جامعه گسترش یابد، گفت‌وگو، مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی تقویت می‌شود و روابط اجتماعی از هیجان زدگی، تعصب و سلطه جویی رها می‌شود. درواقع قرآن عقلانیت را نه صرفاً یک فضیلت فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی معرفی می‌کند که در آن هر فرد در برابر پیامدهای اندیشه و عمل خود پاسخ‌گوست.

ایکنا - براساس یافته‌های مقاله، چه عواملی از منظر قرآن موجب گسترش عقلانیت فردی و اجتماعی می‌شوند؟

در تحلیل آیات قرآن، چند زمینه و عامل اساسی برای توسعه عقلانیت قابل تشخیص است.

نخستین عامل، ترویج تفکر سالم و انتقادی است. قرآن مکرراً انسان را به شنیدن، سنجیدن و انتخاب بهترین سخن فرامی‌خواند:

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ آنان که سخن را می شنوند و از بهترین آن پیروی می کنند، همانان کسانی اند که خدا هدایتشان کرده و ایشان خردمندان اند» (زمر/۱۸).

این آیه نشان می دهد شنیدن همه آرا و گزینش آگاهانه، جوهر عقلانیت دینی است. از منظر جامعه شناختی، این نگرش منجر به شکل گیری فرهنگی گفت و گو محور و پذیرای نقد در جامعه می شود.

عامل دوم، توجه به سنت های الهی در تاریخ جوامع است. قرآن تصریح می کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا يَأْتُسِيهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان خود را تغییر دهند» (انفال/۵۳).

در اینجا عقلانیت به صورت مسئولیت جمعی تعریف شده است؛ یعنی تغییرات اجتماعی باید از درون مردم آغاز شود. جامعه ای که سنت های الهی را می شناسد، تاریخ را می فهمد و از خطاهای گذشتگان عبرت می گیرد، جامعه ای عقلانی است.

سومین عامل، پیروی از علم و برهان است. قرآن از پیروی بی دلیل نهی می کند و می فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو برهان خود را بیاورید اگر راست می گوید» (بقره/۱۱۱). بدین معنا که رفتار و باور اجتماعی باید مبتنی بر دلیل، شواهد و علم باشد نه تقلید یا احساس. جامعه ای که بر علم و استدلال بنا شود، از شایعه، خرافه و هیجان فاصله می گیرد و روابط عقلانی تری می یابد.

چهارمین عامل، احترام به آزادی و اختیار انسان است. قرآن اصل آزادی انتخاب را با صراحت اعلام می کند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ ر دین هیچ اجباری نیست؛ راه رشد از گمراهی آشکار شده است» (بقره/۲۵۶).

این آزادی، پایه شکل گیری مسئولیت اخلاقی و اجتماعی است. جامعه ای که در آن اختیار محترم شمرده شود، از استبداد فکری و تعصب رها می گردد و عقلانیت در روابط انسانی نهادینه می شود.

پنجمین عامل، رشد علمی و جایگاه عالمان در جامعه است. قرآن درباره ارزش دانش می فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا؛ خداوند به هر که بخواهد حکمت می بخشد و هر که را حکمت داده شود، به او خیر فراوان عطا شده است» (بقره/۲۶۹).

بر اساس این اصل، شایسته سالاری علمی باید مبنای اداره جامعه باشد و عالمان واقعی با دانش و تقوا نقش هدایتی در پیشرفت اجتماعی ایفا کنند. در قرآن، علم و تقوا دو روی یک حقیقت اند؛ علمی که از تقوا جدا شود، ممکن است به سلطه و غرور منتهی گردد.

در مجموع، قرآن گسترش عقلانیت را در گرو تربیت انسان متفکر، جامعه علم محور و نظام اجتماعی عادلانه می داند که در آن اختیار و آگاهی مبنای تصمیم گیری است. اینکا - موانع و آسیب هایی که قرآن در مسیر گسترش عقلانیت برمی شمارد چیست؟

قرآن کریم موانع عقلانیت را به روشنی معرفی می کند و هشدار می دهد که بی توجهی به آن ها به فروپاشی اخلاقی و اجتماعی می انجامد.

نخستین مانع، فساد نخبگان و عالمان منحرف است. خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيُسْتَرُونَ بِهِ تَمَتَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ؛ کسانی که آنچه را خدا از کتاب نازل کرده پنهان می دارند و در برابر آن بهای اندکی می گیرند، در حقیقت آتش در درون خود می خورند» (بقره/۱۷۴).

عالمان فاسد با تحریف حقیقت، اعتماد اجتماعی را نابود می کنند و مانع رشد فکری مردم می شوند. در جامعه ای که نخبگان آن منافع شخصی را بر حقیقت مقدم دارند، عقلانیت جای خود را به تزویر و مصلحت طلبی می دهد.

دومین مانع، تقلید کورکورانه و تعصب به سنت های گذشتگان است. قرآن با صراحت می فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ؛ ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و از آثار آنان پیروی می کنیم» (زخرف/۲۳).

قرآن این نگرش را نقد می کند زیرا تقلید بدون دلیل، آزادی اندیشه را از میان می برد و جامعه را در گذشته متوقف می سازد. از دید جامعه شناسی، چنین جامعه ای فاقد پویایی و نوآوری است و در برابر تغییرات مقاومت می کند.

سومین مانع، بدعت و غلو در دین است. خداوند هشدار می دهد: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَغَيَّرَ الْحَقَّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ؛ ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و از خواسته های قومی که پیش تر گمراه شدند پیروی نکنید» (مائده/۷۷).

افراط و بدعت، چهره عقلانی دین را مخدوش می کند و مؤمنان را از حقیقت دور می سازد. جامعه ای که در آن خرافه و تظاهر دینی جایگزین تفکر و اخلاق می شود، از مسیر رشد بازمی ماند.

چهارمین مانع، توجیه و تکرار خطاها و بی تفاوتی نسبت به انحراف ها است. قرآن می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنان را از خودشان غافل ساخت» (حشر/۱۹).

بی تفاوتی نسبت به خطاها سبب رکود فرهنگی و زوال مسئولیت اجتماعی می شود. در چنین شرایطی جامعه قدرت اصلاح و بازاندیشی خود را از دست می دهد.

پنجمین مانع، علم زدگی افراطی و غفلت از محدودیت علم بشری است. قرآن هشدار می دهد: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا؛ از دانش جز اندکی به شما داده نشده است» (اسراء/۸۵).

وقتی علم انسانی مطلق فرض شود و از هدایت الهی جدا گردد، خود به ابزار غرور و سلطه تبدیل می شود. قرآن تأکید دارد که علم حقیقی باید با تواضع و تقوا همراه باشد تا به رشد عقلانی بینجامد، نه به خودبینی و جهل مرکب.

ششمین مانع، آمیختن حق و باطل است. خداوند می فرماید: «وَلَا تَلَيْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ حق را با باطل درنیامیزید و حقیقت را پنهان نکنید در حالی که می دانید» (بقره/۴۲).

وقتی معیار حقیقت در جامعه مخدوش شود، عقلانیت جمعی فرومی پاشد و اعتماد و همبستگی اجتماعی از میان می رود. ایکن - با توجه به این یافته ها، جامعه عقلانی از دیدگاه قرآن چه ویژگی هایی دارد و چه دلالت هایی برای امروز ما دارد؟

جامعه عقلانی از منظر قرآن، جامعه ای است که در آن اندیشه، علم و اخلاق در پیوندی هماهنگ معنا می یابند. در چنین جامعه ای، فرد و جمع هر دو به صورت مسئولانه می اندیشند و عمل می کنند. از نگاه قرآن، عقلانیت بدون اخلاق و علم بدون تقوا، زمینه ساز فساد است؛ ازاین رو، رشد عقلانیت باید هم زمان با رشد معنویت باشد تا مسیر تعالی انسان حفظ شود.

یکی از ویژگی های برجسته جامعه عقلانی قرآنی، خوداصلاح گری است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقَوْمٌ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱). یعنی عقلانیت جمعی هنگامی تحقق می یابد که مردم خودآگاه شوند و مسئولیت تغییر را بپذیرند. این آیه، مبنای جامعه شناسی دینی در قرآن است که تغییر اجتماعی را از اراده و خودآگاهی انسان آغاز می کند.

جامعه عقلانی در قرآن، گفت و گو محور و عدالت مدار نیز هست. تصمیم گیری در چنین جامعه ای بر پایه استدلال و مشورت صورت می گیرد، نه بر تعصب و استبداد. قرآن می فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بُيُوتِهِمْ» (شوری/۳۸) یعنی کارشان به مشورت در میان آنان است. اصل شورا در قرآن، نشانه ای از عقل جمعی است؛ جامعه ای که گفت و گو در آن نهادینه شود، از خشونت، خودکامگی و انحصار رأی دور می ماند.

در نهایت، جامعه عقلانی از دیدگاه قرآن، جامعه ای است که در آن ایمان، علم و مسئولیت اجتماعی درهم تنیده اند. ایمان جهت می دهد، علم ابزار می سازد، و عقلانیت تعادل میان این دو را برقرار می کند. قرآن عقل را «نور هدایت» می داند که اگر در خدمت حق قرار گیرد، انسان و جامعه را به کمال می رساند؛ چنان که می فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) یعنی خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و آنان را که علم یافته اند، درجاتی بلند می بخشد.

از این آیه برمی آید که تعالی جامعه در گرو پیوند ایمان و دانش است. هرگاه جامعه ای بر این اساس بنا شود، عقلانیت در آن شکوفا می شود و روابط انسانی بر پایه عدالت و صداقت استوار می گردد.

بدیهی است که گسترش عقلانیت از منظر قرآن، نه صرفاً پروژه ای فکری، بلکه رسالتی اخلاقی و اجتماعی است. جامعه ای که در پی عدالت، پیشرفت و آرامش باشد، ناگزیر باید به پرورش عقل و نقدپذیری روی آورد. قرآن، عقل را نه در برابر ایمان، بلکه در کنار آن می نشاند؛ چراکه ایمان بدون عقل به جمود می انجامد و عقل بدون ایمان به خودخواهی.

بنابراین، تحقق جامعه مطلوب قرآنی، در گرو پیوند عقلانیت، معنویت و مسئولیت جمعی است؛ پیوندی که اگر از میان برود، بنیان تمدن انسانی نیز از درون تهی خواهد شد.